

## شناسایی و تبیین آیات دعایی ناظر به طلب عفو از خدا در قرآن

مریم صبری\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۱۹ - تاریخ تأیید: ۹۸/۰۴/۲۵

### چکیده

عفو از مهم‌ترین مکارم اخلاقی است که در قرآن به آن توجه و توصیه مکرر شده است. این صفت پسندیده ابعاد گوناگون و پردامنه‌ای در قرآن و ادبیات دینی دارد. در قرآن در کنار آیات بسیاری که به عفو توصیه کرده، در شمار قابل توجهی از آیات درخواست و طلب عفو از پروردگار «در قالب دعا» مورد تأکید قرار گرفته است. طبق آیات قرآن، هرگونه نومیدی از غفران خداوند مذموم است و انسان همواره به درخواست مغفرت از خداوند و تلاش برای رستگاری تشویق شده است. با توجه به اهمیت دعا و طلب عفو در قرآن، این پژوهش به‌طور مشخص می‌کوشد آیاتی را که به این مسئله در قالب دعا اشاره دارند بررسی معنایی و تفسیری کند؛ بنابراین پرسش اصلی پژوهش، ناظر بر این مسئله اساسی است که کدام یک از آیات قرآن به‌صورت دعایی به مفهوم عفو و بخشش اشاره دارند و در چه دسته‌بندی‌های معنایی قابل تقسیم و تفسیر هستند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها می‌توان آیات دعایی قرآن در خصوص طلب عفو را در چهار دسته معنایی دسته‌بندی کرد. در همه این آیات، طلب عفو به‌عنوان مقدمه غفران و رحمت خداوند است و فواید فردی و اجتماعی قابل توجهی بر آن مترتب شده است. روش این پژوهش توصیفی-تفسیری و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: اخلاق در قرآن؛ عفو در قرآن؛ دعاها در قرآن؛ آیات دعایی؛ مکارم اخلاق.



### مقدمه

قرآن کریم برای رستگاری انسان و سعادت او در دنیا و آخرت توصیه‌های متعددی برای عرصه‌های گوناگون حیات انسان ارائه داده است. این کتاب در حوزه‌های گوناگونی از جمله مباحث اعتقادی و کلامی، اخلاقی، دستورات فقهی و احکام عملی، موضوعات تاریخی، اقتصادی و اجتماعی مطالب ارزشمندی را در خود جای داده است. در ساحت اخلاق، یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که مورد توجه ویژه قرآن قرار گرفته موضوع طلب عفو و بخشش از ساحت پروردگار است. درخواست عفو و بخشش از خالق هستی در نهاد هر انسان معتقد به خداوند وجود دارد و یکی از موضوعاتی است که به صورت مکرر در ادعیه، معارف اسلامی و به‌ویژه آیاتی از قرآن مجید مورد تأکید خداوند متعال و بزرگان دین قرار گرفته است. در قرآن مجید آیات متعددی در زمینه طلب عفو و بخشش انسان در قالب دعا از ساحت باری تعالی وجود دارد که مضمون مشترک آن‌ها درخواست متضرعانه انسان به درگاه احدیت برای غفران و رحمت و درنهایت بخشش است. صفات بسیار زیبایی همچون ارحم الراحمین، ستار، غفار، عَفُو، تَوَّاب، سریع الرضا و... که در بسیاری از ادعیه دینی و آیات قرآنی به‌عنوان اسامی خداوند به‌کاررفته‌اند و رای مفاهیم و معانی لغوی، نشانگر لطف بیکران الهی نسبت به بندگان در شرایط مختلف است. خداوند الطاف گوناگونی دارد که یکی از آن‌ها صفت رحمت اوست که بی‌واسطه بر همه بندگان جاری و ساری است، اما اگر انسان خود روی نیاز به درگاه پروردگار آورد و تنها از خداوند طلب یاری، استعانت و عفو و بخشش کند طبق احادیث و آداب دینی، رحمت واسعه خداوند سریع‌تر و گسترده‌تر شامل حال او خواهد شد. این مسئله آن‌قدر اهمیت دارد که حتا سبک و ماهیت درخواست عفو و بخشش داشتن از ساحت الهی، در روایات و آیات قرآن به‌صراحت بیان شده است. در روایتی آمده است: «وقتی می‌خواهید خدا را عبادت کنید، طوری او را عبادت کنید گویا او را می‌بینید و در محضر حضرت حق هستید.» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۴/۲۹) طبیعتاً انسانی که در محضر محبوب و خالق خود باشد و به صفت رحمانیت و رحیمیت او اعتقاد راسخ داشته باشد راحت‌تر و بهتر می‌تواند نیازها و حاجت‌های خویش را از او درخواست کند. در این رابطه در آیه شصت سوره غافر می‌خوانیم: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾؛ و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

از این رو، مسئله دعا و طلب عفو و بخشش در ادبیات اسلامی بسیار مهم و مورد تأکید است؛ چراکه باور بر آن است که انسان هنگامی که از غیر خدا قطع امید کند و استغاثه به سوی پروردگار ببرد و تنها از او استعانت طلبد، در آن هنگام خدایی که غیاث المستغیثین است دستگیر او می‌شود و درخواست‌هایش را اجابت می‌کند و از خطاهایش چشم می‌پوشد. این نجوا و نیاز مخلوق و ناز خالق از آن‌روست که خداوند صاحب مقام معبودیت است و بندگی و خضوع و استعانت و استمداد به درگاهش جز شایسته ذات او نیست و دیگران در محضرش فقیر هستند. اوست که وقتی استغاثه شود، اغاثه می‌کند و وقتی از او خواسته شود، اجابت می‌کند. استعانت یعنی طلب کمک خواستن از دیگران با این اعتقاد که هیچ‌کسی و هیچ چیزی جز خداوند صاحب اختیار مطلق نیست و تنها اوست که استقلال دارد و مشکلات را حل می‌کند و از این رو تنها باید «توکل بر خداوند» داشت. در واقع، انسان با این دیدگاه به کمال توحید و یگانه‌پرستی نائل خواهد آمد و بنده خالص خداوند خواهد شد. درباره حاکمیت مطلق خداوند در رفع نیازهای انسان در آیه ۱۰۷ سوره یونس می‌خوانیم: ﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَرِدْكَ بَخِيرٌ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾؛ و اگر خدا به تو زبانی برساند، آن را برطرف کننده‌ای جز او نیست و اگر برای تو خیری بخواهد، بخشش او را رد کننده‌ای نیست. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌رساند و او آمرزنده مهربان است. همان‌طور که قابل استنباط است در آیات و احادیث، و رای حوائج مادی انسان‌ها که درخواست آن‌ها از خداوند مورد تأکید قرار گرفته، طلب انسان برای غفران خداوند و پاک شدن و قدم نهادن در راه سعادت بیشتر مورد توجه خداوند بوده است. خداوند راه اصلاح و بازگشت را با همین دعاها و استغاثه‌ها به انسان‌ها نشان داده است تا اگر در مسیر نابودی خویش قدمی برداشت یا حتا غرق در آن شد، مجدداً به راه صلاح بازگردد و بتواند آن راه اشتباه را جبران کرده، خویش را نجات دهد.

با توجه به اهمیت استعانت‌جویی انسان از پروردگار در دعاها و درخواست‌هایش مشاهده می‌کنیم در برخی آیات نیز بارها به انسان‌ها تأکید شده است که برای خود از خداوند طلب آموزش نمایید و او را به واسطه نعمت‌ها و مغفرت‌های بی‌شمارش حمد و سپاس گویند: ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ﴾؛ پس صبر کن که وعده خدا حق است و برای گناهت آموزش بخواه و به سپاس پروردگارت، شامگاهان و بامدادان ستایشگر باش. (غافر، ۵۵) در آیه ۹۰ سوره هود آمده است: ﴿وَ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾؛

و از پروردگار خود آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان] است. همان‌طور که قابل استنباط است، می‌بینیم که قدم نخست بازگشت، آمرزش طلبیدن از خداوند است تا انسان از گناه پاک شود و از شرك و بت‌پرستی و خیانت در معاملات و گناهان دیگر مبری گردد و پس از پاک شدن از گناه به سوی خداوند بازگردد؛ چراکه او پاک است و انسان نیز باید پاک باشد تا شایستگی حضور در محضر او را کسب نماید. به یک معنا می‌توان گفت این مراحل در واقع فرایند استغفار است؛ یعنی تصمیم بر گناه نکردن سپس بایند بودن بر تصمیم و در نهایت با توبه از گناهان گذشته هم پاک شدن. پس از گذران این شرایط خداوند انسان را خواهد بخشید؛ چراکه ذات او وجودی است بی‌انتهای و همه انسان‌های خطاکار، اما پیشیمان حقیقی را خواهد بخشید. از این روست که گناه انسان هر قدر هم بزرگ و سنگین باشد، راه بازگشت به روی او باز است؛ زیرا پروردگار هم رحیم است و هم دوستدار بندگان.

«ودود» صیغه مبالغه از «ود» به معنی محبت است، ذکر این واژه پس از واژه «رحیم» بیانگر این است که نه تنها خداوند به حکم رحیمیتش به بندگان گناه کار و توبه کار توجه می‌کند، بلکه آن‌ها را نیز بسیار دوست دارد. از این رو، هرکدام از این دو (رحم و محبت) خود انگیزه‌ای است برای پذیرش استغفار و توبه بندگان.<sup>۱</sup>

گفتنی است برای دعا کردن و امید داشتن به استجاب آن، باید مانند هر فعل دیگری آداب آن را رعایت کرد. در هنگام دعا کردن، ضمن رعایت خضوع و ادب، باید توجه کرد که در محضر چه کسی ایستاده‌ایم و چگونه او را بخوانیم و برای چه منظوری بخوانیم. توجه به این چند نکته تأثیر فوق‌العاده‌ای در استجاب دعا دارد. در نهایت نیز بدانیم که اگر این شرایط را خوب فراهم کردیم، ولی استجاب دعای ما به مصلحت پروردگار نبود و مستجاب نشد، آن دعا برای آخرتمان ذخیره خواهد شد.

با توجه به این مقدمات، اهمیت دعا و همچنین تأثیر طلب عفو و بخشش در دعا روشن شد، اما موضوع اصلی این پژوهش عطف به این اهمیت، بررسی معانی آن دسته از آیات قرآنی است که در آن‌ها از زبان انسان از درگاه احدیت، طلب عفو و بخشش شده است. در واقع، بررسی تفسیری و دسته‌بندی معنایی آیات دعایی قرآن با مضامینی مشابه عفو و بخشش و استعانت از درگاه خداوند موضوع محوری پژوهش پیش روست. به‌طور کلی آیات دعایی در قرآن دربردارنده موضوعاتی

۱. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹ / ۲۱۲.

مختلف هستند، ولی مضمون مشترک و محور اصلی معنایی آن‌ها طلب عفو و بخشش از سوی انسان برای خویشتن یا دیگران از خداوند است. آن‌گونه که از محتوای معنایی این آیات برمی‌آید، این دعاها یا درخواست‌ها در کنار درخواست عام از خداوند برای عفو و بخشش بندگان، چهار حوزه معنایی دیگر را نیز مطرح می‌کنند، اما محوری‌ترین مفهوم در همه آن‌ها بیان درخواست عفو از خداوند و چشم‌پوشی او از غفلت یا خطای بندگان در قالب‌های گوناگون دعایی است. به نظر می‌رسد به‌طور کلی می‌توان این آیات دعاگونه را در چهار دسته کلی جای داد که در ادامه ضمن برشمردن این چهار دسته به بررسی و تبیین معنایی و تفسیری آن‌ها می‌پردازیم.

۱. طلب عفو و مغفرت از محضر پروردگار؛

۲. طلب مغفرت و هدایت برای خویشتن، والدین و دیگر مؤمنان؛

۳. دعا جهت آموزش خطا و حفظ از بلا؛

۴. تلقین به بندگان برای درخواست عفو و طلب آموزش.

این تقسیم‌بندی بر اساس وجه غالب محتوایی آیه‌هاست.

### طلب عفو و مغفرت از محضر پروردگار

آیاتی از قرآن در قالب دعا برای گشایش در امور مختلف انسانی، از زبان خود انسان از سوی خداوند آمده است که معانی عمیق و تأمل برانگیزی در خود دارند. این آیات که رحمت عام خداوند را در ساحت‌های مختلف درخواست می‌کنند در سوره‌های متعددی از قرآن آمده‌اند و هرکدام در بستری تاریخی و خاص به وقوع پیوسته‌اند و شأن نزول ویژه خود را دارند. طلب بخشش از خداوند و طهارت جسم و روح و توبه کردن و از این طریق، طلب محسوب شدن در زمره نیکان، مضمون کلی آیات این‌چنینی است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۱. نخستین آیه دعایی در این ساحت، آیه ۱۹۳ سوره آل عمران است که خداوند در طریق دعا کردن به بندگان می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ﴾؛ پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می‌خواند که به پروردگار خود ایمان آورد پس ایمان آوردیم، پروردگارا گناهان ما را بیامرز و بدی‌های ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران.

منظور از منادی در این آیه رسول الله (ص) است که بشر را به سوی ایمان ندا داد پس آن‌ها با «فَأَمَّنَّا» اظهار ایمان کردند. چون رسولی که به وی ایمان آوردند از سوی خدا به ایشان خبرهایی داده و از برخی امور همچون گناهان و بدی‌ها و مردن در حال کفر و گناه آن‌ها را ترساننده بود و به برخی امور همچون مغفرت و رحمت خدا و جزئیات زندگی آن بهشتی که وعده‌اش را به بندگان مؤمن خود داده، تشویق کرده بود. از این روی، پس از آنکه گفتند: «فَأَمَّنَّا»، درخواست کردند که خدایا ما را پیامرز و گناهان ما را از ما بریز و ما را با ابرار و نیکان که وعده چنان بهشتی به ایشان داده‌ای، بمیران. همچنین درخواست کردند که خدایا آن وعده بهشت و رحمتی که داده‌ای و رسولانت به اذن خودت ضمانتت را کرده‌اند در حق ما برآورده بفرما.<sup>۱</sup> در تفسیر راهنما به نکاتی در این باره اشاره شده است: ۱. خردمندان پس از شنیدن ندای منادی که مراد رسول اکرم (ص) است به پروردگار ایمان آوردند؛ ۲. در واقع خردمندان معتقد به عظمت قرآن و مقام والای رسول اکرم (ص) هستند؛ ۳. یاد همیشگی خداوند و اندیشه در آفرینش، زمینه ایمان به ربوبیت یگانه الاهی است و این پذیرش ربوبیت یگانه خداوند، حقیقت ایمان است؛ ۴. آمرزش گناهان و پوشاندن بدی‌ها، تقاضای خردمندان از پیشگاه پروردگار است؛ ۵. آوردن این آیه در قرآن به منزله ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و طلب آمرزش و همراهی با ابرار و درخواست حسن عاقبت است و این نشانگر مقام رفیع ابرار نزد پروردگار است.<sup>۲</sup>

۲. دومین آیه دعایی در این رابطه آیه ۱۶ سوره آل عمران است: ﴿رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾؛ پروردگارا ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را بر ما ببخش و ما را از عذاب آتش نگاه دار.

این آیه در وصف بندگان پرهیزگار خداست، آنان که با تمام دل و جان متوجه پروردگار خویش اند و ایمان، قلب آن‌ها را روشن ساخته و به همین دلیل در برابر اعمال خویش به شدت احساس مسئولیت می‌کنند. در تفسیر راهنما برای این آیه چند ویژگی آشکار بیان شده است: ۱. تقوایبندگان، مؤمن به خداوند و معترف به ایمان خویش هستند؛ ۲. دعا به درگاه خدا و درخواست آمرزش گناهان و محفوظ ماندن از آتش دوزخ، نشانه تقوایبندگان است؛ ۳. اهل تقوا همواره نگران فرجام گناهان و خطر گرفتاری آنان به آتش دوزخ را دارند؛ ۴. تقوایبندگان در پیشگاه خداوند معترف به گناهانشان

۱. نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۱۳۸.

۲. نک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۵: ۳ / ۱۹۶-۱۹۹.

شناسایی و تبیین آیات دعایی ناظر به طلب عفو از خدا در قرآن / صبری ۷۷

هستند؛ ۵. تقوایشگان، اظهار ایمان را در اجابت درخواست آموزش گناه و رهایی از جهنم مؤثر دیده و آن را در دعای خویش قرار می‌دهند؛ ۶. توسل به ربوبیت خداوند از آداب دعاست؛ ۷. بخشایش گناهان و رهاسازی از آتش جهنم، جلوه‌های ربوبیت خداوند است؛ ۸. رهایی از آتش دوزخ افزون بر شرط آموزش گناهان، نیازمند عنایتی دیگر از سوی خداوند است.<sup>۱</sup>

۳. در آیه سوم در این باره آمده است: ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾؛ پروردگارا ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما امتی فرمان‌بردار خود [پدید آر] و آداب دینی ما را به ما نشان ده و بر ما ببخشای که تویی توبه‌پذیر مهربان. (بقره، ۱۲۸)

مسلم به کسی اطلاق می‌شود که به خدا اعتقاد داشته باشد و از او اطاعت کند و در عقیده و عمل نسبت به خدا اخلاص داشته باشد و همه امور و کارهایش را به او واگذار کند. نخست عرضه می‌دارند: پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خودت قرار ده، بعد تقاضا می‌کنند از دودمان ما نیز امتی مسلمان و تسلیم در برابر فرمانت قرار ده. سپس تقاضا می‌کنند طرز پرستش و عبادت خودت را به ما نشان ده و ما را از آن آگاه ساز تا بتوانیم آن‌گونه که شایسته مقام توست عبادتت کنیم، بعد از خدا تقاضای توبه کرده، می‌گویند: توبه ما را بپذیر و رحمتت را متوجه ما گردان که تو تواب و رحیمی.<sup>۲</sup>

حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل (ع) برای نجات فرزندان خود از سرگذشت فرزند طالح حضرت نوح (ع) و بر اساس سنتی شایسته که در فرصت‌های مناسب و مواقع حساس به فرزندان و نوادگان دعا می‌شود، هنگام بازسازی و نوسازی کعبه و پس از آن، چند درخواست را از خدای سبحان خواستار شدند: ۱. نیل به مرحله کامل اسلام؛ یعنی مقام تسلیم و انقیاد محض و تام برای خود، فرزند و نوادگان خویش؛ ۲. کیفیت بهره‌برداری عبادی از کعبه و حدود وابسته به آن تا از چگونگی عبادت در آن آگاه گردند. از این رو، مناسک حج به آنان نشان داده شد؛ ۳. رجوع لطف الاهی و تداوم عنایت پروردگار بر آنان. مناسک جمع «مُنَسَك» به معنای اعمال عبادی است: (لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا) منسک به معنای مکانی که نسبیکه و قربانی در آن ذَبَّح

۱. نک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۵: ۳/۳۲۹-۳۳۰.

۲. نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱/۴۶۵.

می‌شود نیز به کار می‌رود. برخی منسک را به معنای شیوه زهد و طریقه عبادت دانسته‌اند. «تب علینا» توبه به معنای رجوع و بازگشت است که اگر به انسان عطف شود منظور بازگشت وی از گناه و پشیمانی او از معصیت است و اگر به خدای متعالی عطف شود، چون همواره با حرف «علی» که برای استعلاست استعمال می‌شود (فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ) به معنای رجوع به نحو استعلا و استیلاست و این معنا ملازم با انعطاف رحمت و مغفرت خداوند به شخص است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۷ / ۷۵)

خدا دعای حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل (ع) را مستجاب کرد و در میان نسل آن‌ها میلیون‌ها مسلمان قرار داد. بر این اساس، شیعه نظریه‌ای دارد که مختص خود اوست و طوایف دیگر اسلامی آن را قبول ندارند و آن این است که پدران و اجداد محمد (ص) و نیز مادران و جده‌های او همگی موحد بودند و آن حضرت از همان آغاز آفرینش تا ساعت تولدش از صلب پدران پاک به رحم مادران پاک منتقل شده است.<sup>۱</sup>

۴. آیه چهارم در این ساحت معنایی درباره توفیق ادای فریضه نماز است که می‌فرماید: ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾؛ پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز. پروردگارا و دعای مرا بپذیر. (ابراهیم، ۴۰)

این آیه اهمیت و جایگاه بلند فریضه نماز را بیان می‌کند. حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار توفیق یافتن خود و فرزندانش بر اقامه نماز شد و ملتسمانه خواستار استجابت دعایش برای اقامه نماز شد. از آنجاکه ابراهیم، یکی از انبیای بزرگ الهی، خواستار توفیق احیای نماز بود، برداشت می‌شود که کاری بس مهم و ارزشمند است.<sup>۲</sup>

در این آیه هرچند درخواست مستقیم عفو نیست، ولی مضمون آن طلب پذیرفتن دعاست که شامل عفو و بخشش و پذیرفتن توبه و یاری شدن از سوی خداوند است.

همان‌طور که اشاره شد، خداوند در قرآن به بندگان آموخته است که برای احساس بخشیده شدن و سبک شدن روح و به تبع آن نیل به سعادت و برآورده شدن حوائج خود دعا کنند. این دعا کردن فواید دنیوی و اخروی زیادی دارد؛ از جمله: رسیدن به آرامش و سکینه قلبی به دلیل

۱. نک: مغنیه، ۱۳۹۲ / ۱ / ۳۸۲-۳۸۰.

۲. نک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۵ / ۹ / ۹۲-۹۳.

احساس بخشیده شدن از سوی خداوند، خلق و خوی بهتر، کم شدن عصبانیت و پرخاشگری و کنترل استرس. تقویت قدرت اراده انسان و توان کنترل خود نیز از دیگر فواید آن است. در واقع، دعا کمک می‌کند انسان‌ها ضمن آنکه خود را در محضر پروردگار پاک شده‌تر ببینند، در تعاملات اجتماعی نیز منعطف‌تر شوند و قدرت بخشش بیشتری بیابند و به دنبال آن زندگی بهتری را تجربه کنند و دل‌هایشان به هم نزدیک‌تر شود. همچنین باید عنایت داشت که هدف اصلی دعا تنها نباید بخشیده شدن و درخواست حوائج دنیوی از خدا باشد؛ چون ممکن است خیر و صلاح انسان در آن نباشد و برآورده نشود و به دنبال آن ناامیدی بر انسان غلبه کند. از این رو، هدف مهم و اصلی دعا کردن باید تشکر و قدردانی و نزدیک شدن به خداوند باشد تا تأثیر آن در زندگی و بر روح و روان انسان نهادینه شود.

### طلب مغفرت و هدایت برای خویشتن، والدین و دیگر مؤمنان

در ادبیات دینی، مهم‌ترین توصیه‌های اخلاقی به مسلمانان دعا در حق یکدیگر است. این عمل پسندیده فواید بسیاری، به‌ویژه برای شخص دعاکننده دارد. طبق روایات، خداوند به واسطه مقدم کردن دیگران بر خود در دعا، بلا را دور می‌کند، رزق و روزی را افزایش می‌دهد و از آن درخواست، فوایدی به خود شخص نیز می‌بخشد. در روایتی آمده است: «اگر شخصی پشت سر برادر مؤمنش برای او دعا کند از عرش ندایی می‌آید که برای تو صد هزار برابر مثل اوست؛ این در حالی است که اگر برای خودش دعا می‌کرد، تنها به اندازه همان يك دعایش به او داده می‌شد. حال بنگرید که صد هزارتا که تضمین شده بهتر است یا آن یکی که معلوم نیست مستجاب شود یا نه!» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲ / ۲۱۲)

۱. نخستین آیه درباره طلب خیر و مغفرت برای دیگران در قرآن این آیه است: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنَانِ يَوْمَ يُقَوْمُ الْحِسَابُ﴾؛ پروردگارا روزی که حساب برپا می‌شود بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای. (ابراهیم، ۴۱) همان‌طور که می‌بینیم دعا و آمرزش برای خود و والدین و همه مؤمنان در این آیه مورد توجه قرار گرفته است. آمدن رب در آغاز این آیه نشانه تأثیر نام بردن از پروردگار در استجاب دعاست و همچنین یکی از آداب دعا به شمار می‌رود. پس از اینکه ابراهیم (ع) برای خود و فرزندانش دعا کرد در نهایت دعایش را با دعا برای پدر و مادرش پایان داد. درباره «و لوالدی» نظرات متفاوتی در تفاسیر وجود دارد. برخی گفته‌اند مراد

از پدر و مادر در این آیه آدم و حوا بوده و برخی نیز می‌گویند مراد پدر و مادر واقعی حضرت ابراهیم (ع)، یعنی تَارِخ و زن تَارِخ بوده است که موحد و مسلمان بودند.<sup>۱</sup>

۲. در آیه دیگری در همین چهارچوب معنایی آمده است: ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنَانِ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا﴾؛ پروردگارا بر من و پدر و مادر و هر مؤمنی که در سرایم در آید و بر مردان و زنان با ایمان ببخشای و جز بر هلاکت ستمگران میفزای (نوح، ۲۸). این آیه یکی از دعاهای نوح (ع) است که قرآن از آن حضرت نقل می‌کند. این دعا را خدای متعال در آخر سوره نوح پس از آیات بسیاری که درباره شکایت‌های نوح (ع) ایراد کرده، نقل می‌فرماید. وی در این آیات، شکایت‌های خود را نزد پروردگار می‌برد که دعوت مدام شبانه روزی‌اش که نزدیک به هزار سال بود، به رغم اذیت و آزارهای فراوان، دستاوردی به همراه نداشت و نتیجه عکس همچون فرار و استکبار آنان را در بر داشت و روزبه‌روز بر لجاجت و عناد خود افزودند و بر خطاهای خود اصرار کردند تا اینکه در نهایت، ناراحتی او از حد گذشت و قوم خود را نفرین کرد. چون کفار گروه بسیاری از کسانی را که نوح (ع) هدایت کرده بود گمراه کرده بودند؛ بنابراین از خداوند خواست دیگر به آن‌ها مهلتی ندهد و آن‌ها را هلاک گرداند. از طرفی ادب الهی چنان اقتضا می‌کرد برای آن دسته از کسانی که به او ایمان آورده و دعوت او را لبیک گفته بودند (در روایات شمار آن‌ها بیش از هشتاد نفر نیست) طلب خیر در دنیا و آخرت کند، پس برای خود و مادر و پدرش و همه مؤمنان چه معاصران و چه آیندگان که امت او به شمار می‌آیند چنین دعا کرد: ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنَانِ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا﴾.<sup>۲</sup>

۳. سومین آیه‌ای که در قرآن مبنی بر طلب عفو برای دیگران است: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾؛ و [نیز] کسانی که بعد از آنان [= مهاجران و انصار] آمده‌اند [و] می‌گویند پروردگارا بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردند بر ما پیشی گرفتند ببخشای و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار. پروردگارا راستی که تو رؤوف و مهربانی. (حشر، ۱۰)

۱. نک: نهاوندی، ۱۳۹۱: ۲/ ۹۵.

۲. نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/ ۳۸۲.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾ دعایی است به جان خودشان و به جان مؤمنانی که پیش از ایشان بودند، دعایی است به مغفرت و اگر از مسلمانان پیش از خود به «اخوان» تعبیر کردند برای این بود که اشاره کنند ایشان را از خود می‌دانند، همچنان که قرآن درباره همه مسلمانان فرموده است: ﴿بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾ (نساء، ۲۵) پس مسلمانان یکدیگر را دوست می‌دارند، همان‌طور که خود را دوست می‌دارند و برای یکدیگر دوست می‌دارند، آنچه را که برای خود دوست می‌دارند و به همین دلیل انصار پس از آن دعای خود گفتند: ﴿وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ از خدا خواستند که هیچ غلی، یعنی عداوتی از مؤمنان در دلشان قرار ندهد و در جمله «لِلَّذِينَ آمَنُوا» همه مسئله را نسبت به همه مؤمنان تعمیم دادند، چه مؤمنان از بین خودشان یعنی انصار و چه از مهاجران که پیش از ایشان ایمان آورده بودند. همچنین اشاره کردند که جز ایمان هیچ غرض و هدفی ندارند.<sup>۱</sup>

همان‌طور که در این آیات مشاهده کردیم از زبان انسان‌ها و گاه پیامبران الهی درخواست و طلب مغفرت از پروردگار متعال به شیوه‌های مختلف مطرح شده است. این درخواست‌ها در امور گوناگون، به‌ویژه در مواردی است که قصور و خطایی از انسان‌ها سر زده است. همچنین در قاطبه ادعیه، حوائج و درخواست شخصی که خطاب به خداوند دعا می‌کند مطرح نیست، بلکه دایره‌ای فراتر از والدین و نزدیکان و اطرافیان است و حتا گاه همه انسان‌ها را در برمی‌گیرد و این مسئله نشان می‌دهد وسعت رحمت خداوند بی‌نهایت است و هر اندازه انسان دایره درخواستش گسترده‌تر باشد، خود او و مشکلات و گرفتاری‌های روحی و جسمی او سریع‌تر از سوی حق مورد توجه قرار می‌گیرد؛ همچنان که در ادعیه ما سفارش شده است اگر می‌خواهید دعا درباره خودتان زودتر به اجابت برسد دیگر انسان‌ها را بر خویش مقدم دارید و در حق آن‌ها دعا کنید؛ چراکه خداوند این‌گونه انسان‌ها را که درد اجتماعی دارند زودتر از دیگران مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین، این دعاها از چنان اهمیتی برخوردارند که در ادعیه و احادیث بر قرائت آن‌ها در نماز بسیار تأکید شده است و همان‌طور که می‌دانیم برخی از آن‌ها در دعا‌های نمازهای یومیه توسط مسلمانان خوانده می‌شود.

۱. نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۳۵۸.

## دعا برای آمرزش و حفظ از بلایا

دعا به معنی درخواست کردن است؛ درخواستی که باید همراه با خضوع و خشوع از محضر باری تعالی باشد که در برابر آن، فضائل بسیاری نصیب انسان می‌شود. در واقع، از مواهبی که پروردگار به بندگان بخشیده، امکان دعا در هر زمینه‌ای همچون مصائب و مشکلات، حوائج دنیوی و اخروی، حفظ از بلایا، طلب آمرزش و یاری جستن از او و... در زندگی است. چه بسا آدمی در رهگذر عمر با حوادث بسیاری روبرو می‌گردد یا همیشه در گرداب نفس است، یا زیر تیغ آزمایش خداوند مصائبی سر راه او قرار می‌گیرد یا گرفتار بدخواهی دیگران می‌شود و دهها مسئله و مشکل مرسوم که در فراز و نشیب زندگی به‌طور معمول با آن‌ها روبه‌رو می‌گردد. با توجه به این سختی‌ها و مرارت‌ها، داشتن مأمنی برای آرامش و کمک و حفظ از بلایا، غنیمت ارزنده‌ای برای بشر است. دعا یکی از مقوله‌هایی است که در سرنوشت انسان‌ها تأثیر به‌سزایی دارد. در آیه ۱۸۶ سوره بقره، دعا کلید رسیدن به آمال و آرزوها معرفی شده است: ﴿وَ إِذَا سَاءَ لَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ اِئْتِنِي دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾؛ و هرگاه که بندگانم درباره من بپرسند، بگو که من نزدیکم و دعای هر دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم.

۱. نخستین آیه درباره اهمیت دعا در دفع بلایا و آمرزش بندگان و همچنین حفظ انسان‌ها از خطرات، آیه پنجم سوره ممتحنه است: ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اَعِزُّ لَنَا رَبَّنَا اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾؛ پروردگارا ما را وسیله آزمایش [و آماج آزار] برای کسانی که کفر ورزیده‌اند مگردان و بر ما بیخشای که تو خود توانای سنجیده‌کاری.

انسان‌ها در این دعا از خداوند می‌خواهند که از آثار سوء تبری‌شان از کفار، پناهشان دهد و ایشان را بیامزد و وسیله امتحان قرار نگیرند و کفار بر آن‌ها مسلط نشوند و بدین وسیله مورد امتحان قرار نگیرند. ابراهیم (ع) و یارانش در دعای خود ندای «ربنا» را بی‌درپی تکرار کردند تا به این وسیله رحمت الاهی را به جوش آورند.<sup>۱</sup>

در این آیه به یکی دیگر از درخواست‌های ابراهیم و یارانش که در این زمینه، حساس و چشمگیر است، اشاره شده و می‌گوید: «پروردگارا! ما را مایه گمراهی کافران قرار مده»

۱. نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۳۹۸.

(رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا). این تعبیر ممکن است اشاره به اعمالی مانند اعمال حاطب ابن ابی بلتعنه باشد که گاهی از افراد بی خبر سر می زند و کاری می کنند که سبب تقویت گمراهان می گردد؛ درحالی که گمان می کنند کار خلافی نکرده اند یا اشاره به این است که ما را در چنگال آن ها گرفتار مکن و در برابر آن ها مغلوب مساز، مبادا بگویند اگر این ها بر حق بودند هرگز گرفتار شکست نمی شدند و این مایه گمراهی آن ها می گردد؛ یعنی اگر آن ها از شکست و تسلط کفار می ترسند نه به خاطر خودشان است، بلکه به این دلیل است که آئین حق زیر سؤال نرود و پیروزی ظاهری مشرکان دلیل بر حقانیت آن ها تلقی نگردد. این است راه و رسم يك مؤمن واقعی که هر چه می خواهد برای خدا می خواهد، از همه بریده و به خدا پیوسته است و همه چیز را برای رضای او می طلبد. در پایان آیه می افزاید: «پروردگارا، اگر لغزشی از ما سر زد ما را ببخش» (وَ اعْفُرْ لَنَا رَبَّنَا) «تو عزیز و حکیمی» (إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ). قدرت شکست ناپذیر است و حکمت نافذ در همه چیز. «این جمله ممکن است اشاره به آن باشد که اگر در زندگی ما نشانه ای از تمایل و محبت و دوستی به دشمنان تو وجود داشته این لغزش را بر ما ببخش و این درسی است برای مسلمانان که آن ها نیز سرمشق گیرند و اگر حاطبی در میان آن ها پیدا شد، استغفار کنند و به سوی خدا بازگردند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴ / ۲۳)

۲. دومین آیه در این چهارچوب: (رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اعْفُرْ لَنَا وَ اِزْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ)؛ پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. (بقره، ۲۸۶)

نکته مشهود در این دعا، اعتراف و اقرار به ضعف خویش در محضر خداوند در آغاز طلب و درخواست از درگاه احدیت است: «لا طَاقَةَ لَنَا» سپس به عظمت خداوند گواهی دادن: «انت مولانا» و در نهایت خواست خود را طرح کردن: «وَ اعْفُ عَنَّا وَ اعْفُرْ لَنَا وَ اِزْحَمْنَا». این بخش از آیه اختصاصی به نسیان و خطا ندارد، بلکه هرگونه خطای عمدی را شامل می شود.

آیات سوره بقره در مدینه و فضای موضوع مهاجران و انصار و صفا آرای کافران در برابر مؤمنان و فتنه گری منافقان و جنگ های فراوان در چرخش است. از این رو، مؤمنان به خدای

سبحان عرض می‌کنند که تنها تو مولای ما هستی پس خودت ما را در حفظ دین بر کافران یاری فرما: ﴿أَنْتَ مَوْلَانَا فَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾. مراد از قوم کافر همه دشمنان داخلی و خارجی است. دشمن داخلی شیطان است که هم مؤمنان را در جهاد اکبر از درون وسوسه می‌کند و هم کافران در جبهه جهاد اکبر، شکست‌خوردگان اویند. دشمن خارجی نیز در جبهه‌های گوناگون با تبلیغات، محاصره اقتصادی و ابزارهای نظامی بر جامعه اسلامی یورش آورده تا آن را از پای درآورند. در جامعه امروزی نیز مصداق‌های زیادی برای دشمن داخلی و خارجی وجود دارد؛ بنابراین آشنایی با مبانی فلسفه‌های الحادی، آگاهی از شبهات ضد دینی، اطلاع از اوهام بدآموز در ساحت اخلاق و مانند آن، همگی لازم و ضروری و یاری خداوند سبحان در تمهید آن مبادی و تحصیل این مقدمات راهگشاست.<sup>۱</sup>

در اهمیت این آیات برای جامعه اسلامی و مسلمانان، روایات متعددی وجود دارد. از عبدالله بن مسعود روایت شده است هنگامی که رسول اکرم (ص) به معراج رفت و به سدره‌المنتهی رسید در آنجا به آن حضرت دوسوم نمازهای پنج‌گانه و آیات آخر سوره بقره الهام شد و خداوند از امت آن حضرت، همه گناهان کسانی را که مشرک نباشند آمرزید، جز آن دسته از گناهانی که واردکننده در آتش و بزرگ‌اند (یعنی عذاب بر آن‌ها قطعی است).

درباره این آیه، ابن‌المنکدر از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: در آخر سوره بقره آیه‌ای است که هم قرآن است و هم دعا و خوشنودی خدا را جلب می‌کند. در تفسیر کلبی از ابن عباس نقل شده است که رسول خدا (ص) ناگاه صدایی شنید، سرش را بلند کرد، دری از آسمان گشوده شد و فرشته‌ای فرود آمد و گفت ای محمد، خدا تو را بشارت می‌دهد به دو نور که پیش از تو به هیچ پیامبری نداده است آن دو نور «فاتحه‌الکتاب» و «اواخر سوره بقره» هستند که کسی آن دو را نمی‌خواند جز آنکه حاجتش را برآورده سازم. (طبرسی، بی تا: ۳ / ۲۲۱)

گفته‌اند حکمت اینکه نخست عفو را گفت، سپس مغفرت و در آخر رحمت، آن است که عفو مؤاخذه نکردن بر گناه است؛ هرچند که گناه ظاهر بود، مغفرت محو کردن گناه و ندیدن آن

۱. نک: جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵ / ۷۳۰-۷۳۳.

شناسایی و تبیین آیات دعایی ناظر به طلب عفو از خدا در قرآن / صبری ۸۵

و رحمت مهربانی کردن بر گناهکار است. پس مغفرت بلیغ‌تر از عفو است و رحمت بلیغ‌تر از مغفرت، از این جهت نخست عفو و در آخر رحمت را گفت.<sup>۱</sup>

در این تعابیر آخر سوره بقره که تقاضای معافیت شده، سه نوبت واژه ربنا تکرار شده است. به این دلیل که «کسی را که از دور آواز می‌کنند نیازمند حرف ندا است، ولی چون نزدیک باشد محتاج به حرف ندا و آوازی مثل ربنا و مانند آن نیست و در این آیه اشاره است که چون نخست تقاضای این معافیت‌ها را می‌کنند، به واسطه این دعاها قرب و منزلت برای آن‌ها پیدا می‌شود و بعد از نزدیک مطالب خود را اظهار می‌کنند و از این جهت محتاج به حرف ندا و واژه ربنا نیست.» (عاملی، ۱۳۶۰: ۶۱۸)

۳. آیه سومی که می‌توان در این ساحت معنایی عنوان کرد عبارت است از: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾؛ پروردگارا گناهان ما و زیاده‌روی ما در کارمان را بر ما ببخش و گام‌های ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران یاری ده. (آل عمران، ۱۴۷)

در این آیه انسان مراحل عفو را از خداوند می‌خواهد؛ مرحله نخست گذشت از گناهان، مرحله دوم استوار بودن بر گناه نکردن و مرحله سوم بهره‌گیری از رحمت پروردگار و پیروزی بر کافران است. پیروان انبیای پیشین هرگز از دین و پیامبر خویش شکایت نکردند؛ چنان‌که اصحاب محمد (ص) در روز احد این کار را کردند. آری، مؤمن حقیقی با دیده اتهام به خود می‌نگرد و مشکلات و سختی‌هایی را که به او می‌رسد به حساب کوتاهی و زیاده‌روی خود می‌گذارد و از خداوند بخشش و گذشت و هدایت و راهنمایی می‌طلبد؛ ولی مؤمن دروغین، مسئولیت را به عهده خدا می‌گذارد و می‌گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است.<sup>۲</sup>

در شأن نزول این آیه آمده است که همراهان مخصوص پیامبران پیشین بر اثر صحابت ویژه، مستمر و پربرکت علمی و عملی پیامبران الهی، رفتارهای مؤمنانه و متقیانه و گفتارهای خاضعانه و متضرعانه داشتند. آن‌ها پس از پیکار در میدان جنگ، برای جبران کمبودها و کاستی‌ها و تصحیح عیب‌هایشان نیایش خالصانه می‌کردند و پس از درخواست مغفرت و

۱. نک: میبیدی، ۱۳۷۱: ۱ / ۷۸۵.

۲. نک: مغنیه، بی‌تا: ۲ / ۲۸۸.

آمزش گناهان و نیل به غفران و طهارت، ثبات قدم در جهاد اکبر و نصرت و پیروزی نهایی بر کافران را مسئلت می‌کردند و خداوند نیز چون محسنان را دوست می‌دارد آنان را بر دشمنان پیروز کرد و آبرومندشان ساخت و پاداش فراوان آخرت نیز به آنان بخشید.<sup>۱</sup>

در تفسیر دیگری درباره این آیه آمده است:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا﴾ پروردگارا بیامرز برای ما گناهان ما را تا شومی آن موجب مغلوبیت ما نشود و دشمنان بر ما ظفر نیابند بلکه ما غلبه نمایم، ﴿وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا﴾ و درگذر، از حد گذشتن ما را در کار خود، یعنی درگذر افراط ما را در معصیت و تفریط ما را در طاعت، ﴿وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا﴾ و ثابت بدار قدم‌های ما را در وقت مقاتله با دشمنان دین به تقویت قلوب ما، ﴿وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ و نصرت فرما ما را بر کفار به انداختن ترس در قلوب آنان. درخواست دعای ایشان مشتمل بر چند چیز است:

۱. آمزش گناهان؛ ۲. درگذشتن از تجاوز حدود اوامر؛ ۳. تقاضای ثبات قدم در ایمان؛ ۴. نصرت بر دشمنان دین. آیه شریفه دستور کلی است برای مؤمنان که در امورات شرعیه صبر را پیشه نموده و از خدای تعالی طلب آمزش نمایند و با خلوص نیت، از درگاه سبحانی اجابت دعوات و تثبیت بر اشتیاق طاعات و عبادات را بنمایند تا به توفیق و نصرت ربانی فائز و رستگار گردند. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۶۹)

### تلقین به بندگان برای درخواست عفو و طلب آمزش

خداوند در آیاتی از قرآن به بندگان خویش توصیه یا به عبارت دقیق‌تر، تلقین می‌کند که نخست توبه کنند و دوم راه صلاح و سعادت در پیش گیرند تا به نیکی گرایند و خداوند اسباب هدایت و ورود آن‌ها را به بهشت جاودان فراهم کند. در این آیه‌ها معمولاً از انسان درخواست می‌شود ابتدا عمل عبادی انجام دهد و سپس به گونه‌ای که مدنظر خداوند است برای خویش دعا کند تا به سعادت رهنمون شود.

۱. نخستین آیه مطرح در این باره عبارت است از: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ

۱. نک: جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵ / ۷۰۹-۷۱۰.

التَّيْبِي وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به درگاه خدا توبه‌ای راستین کنید، امید است که پروردگارتان بدی‌هایتان را از شما بزداید و شما را به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد. خدا در آن روز پیامبر [خود] و کسانی را که به او ایمان آورده بودند خوار نمی‌گرداند: نورشان از پیشاپیش آنان و سمت راستشان روان است. می‌گویند: پروردگارا، نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشای، که تو بر هر چیز توانایی. (تحریم، ۸)

آیات بسیاری از قرآن کریم دلالت دارد بر اینکه قرب و نزدیکی به خدای تعالی و متمتع شدن به نعمت بهشت، موقوف بر این است که پیش‌تر مغفرت الاهی شامل حال آدمی شود و آلودگی شرك و گناهان به‌وسیله توبه و نظیر آن پاک شده باشد، چرك و آلودگی‌ای که آیه شریفه: ﴿بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ بلکه اثر سوء گناه در دل‌هایشان بجای مانده (مطففین، ۱۴)؛ و پاک شدنی که آیه: ﴿وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ﴾؛ و هر کس به خدا ایمان آورد خدا قلبش را هدایت می‌کند (تغابن، ۱۱) بدان اشاره دارند. کوتاه‌سخن اینکه عفو و مغفرت، برطرف کردن مانع و ازاله منافیات است، چون خدای تعالی ایمان و خانه آخرت را حیات و آثار ایمان و افعال دارنده آن و سیره اهل آخرت در زندگی دنیا را نور خوانده و فرموده است: ﴿أَوَمَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا﴾؛ آیا کسی که مرده بود و ما او را زنده کردیم و برایش نوری قرار دادیم تا با آن در مردم آمدوشد کند، صفتش مثل صفت کسی است که در ظلمت‌هایی چند قرار دارد که خارج شدن از آن برایش نیست. (انعام، ۱۲۲) به‌طور کلی زندگی راستین را دار آخرت دانسته و فرموده است: ﴿وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾؛ و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است. (عنکبوت، ۶۴) پس شرك مرگ و معصیت ظلمت است؛ هم چنان که باز در جای دیگر فرموده است: ﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّي يَعْشَاءُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾؛ یا نظیر ظلمت‌ها در دریایی عمیق است که موج‌هایی روی هم بر بالای آن ظلمت‌ها و ابرهایی تیره و روی هم بر بالای آن موج‌ها باشد که معلوم است در چنین وضعی ظلمت‌ها روی هم‌اند و به‌طوری تاریک است که اگر کسی دست خود را از گریبان در آورد آن را به‌هیچ‌وجه نمی‌بیند و کسی هم که خدای تعالی در زندگی‌اش برایش نوری قرار نداده او هیچ نور دیگری ندارد. (نور، ۴۰) پس مغفرت در حقیقت از بین بردن مرگ و ظلمت است و

معلوم است که مرگ به وسیله حیات و نور از بین می‌رود و حیات هم عبارت است از ایمان؛ و نور عبارت است از رحمت الاهیة. پس کافر حیات و نور ندارد، اما مؤمن آمرزیده هم حیات دارد و هم نور؛ و مؤمنی که هنوز گناہانی با خود دارد زنده است و لیکن نورش به حد کمال نرسیده و با آمرزش الاهی است که به آن حد می‌رسد؛ چون خدای تعالی فرموده است: ﴿تُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ، وَ بِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا﴾ (تحریم، ۸)، پس با توجه به آنچه گفته شد این معنا روشن است که مصداق عفو و مغفرت وقتی در امور تکوینی به خدای تعالی نسبت داده شود، معنایش برطرف کردن مانع به وسیله ایراد سبب است و در امور تشریحی به معنای ازاله سببی است که نمی‌گذارد ارفاق و رحم مولا درباره سعادت و شقاوت شامل حال بنده او شود، عفو و مغفرت آن مانع را برمی‌دارد و در نتیجه بنده سعادت مند می‌شود.<sup>۱</sup>

۲. آیه دیگر در این رابطه که می‌توان مطرح کرد عبارت است از: ﴿وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾؛ و بگو: پروردگارا، بخشای و رحمت کن [که] تو بهترین بخشاینده گانی. (مؤمنون، ۱۱۸) این آیه خاتمه سوره مؤمنون است و در آن به رسول خدا (ص) امر شده است که شعار و گفتار مؤمنان را که در دنیا باید ورد زبان داشته باشند به مردم خود برساند و نیز برساند که پاداش این گفتار، رستگاری در روز قیامت است؛ همچنان که در آیات ۱۰۹ و ۱۱۱ این سوره از آن پاداش خبر داده است.<sup>۲</sup>

### نتیجه گیری

بر پایه نتایج پژوهش می‌توان عنوان داشت در قرآن چهار دسته معنایی و تفسیری درباره آیات دعایی عفو و بخشش، قابل احصاء هستند. این چهار دسته عبارت‌اند از: ۱. طلب عفو و مغفرت خود شخص برای خویشتن از محضر پروردگار؛ ۲. طلب مغفرت و هدایت برای خویشتن، والدین و دیگر مؤمنان؛ ۳. دعا برای آمرزش خطا و حفظ از بلا؛ ۴. تلقین به بندگان برای درخواست عفو و طلب آمرزش از سوی خداوند.

باید توجه داشت در همه آیاتی که در این باره نازل شده طلب عفو و بخشش مقدمه غفران و رحمت خداوند تلقی شده است و از این عمل به عنوان یکی از زیباترین و خالص‌ترین حالات

۱. نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۸۱.

۲. نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۱۰۸.

معنوی انسان تعبیر شده است. طبیعتاً اجابت درخواست‌ها در این دعاها فواید فراوانی به دنبال خواهد داشت که به‌طور کلی سلامت نفس و پاکی وجود انسان از خطاهای گذشته، ایمن شدن در برابر گناهان و بلاها و مصیبت‌ها و آزمایش‌های آینده، آرامش و سکون روحی و روانی بشر و درنهایت ارتقاء معنوی و تعالی روح، بخشی از آنهاست.

با توجه به آنکه دعا و حالات معنوی بسیار مورد تأکید قرآن است، حتا در این آیات نحوه دعا کردن یا آداب دعا کردن نیز بیان شده است. همچنین، دایره این درخواست‌های دعایی هم در موضوعات شامل امور گوناگون و متنوع می‌شود و هم از حیث گستردگی، هر انسانی در هر نقطه‌ای از عالم را در برمی‌گیرد. در ساحت انسانی و فرا دینی هم باید توجه داشت موضوع طلب عفو، بخشش و آمرزش و اعتراف به گناهان و توبه کردن، از مسائل اساسی جوامع انسانی و دغدغه‌های اصلی فیلسوفان و عالمان دینی است. به همین دلیل در منظری کارکردی نیز باید توجه داشت دیدگاه قرآن درباره این ویژگی پسندیده می‌تواند گره‌گشا و روشنایی بخش اذهان و قلوب همه انسان‌ها با هر آیین و مسلکی باشد. با توجه به این اهمیت و با عنایت به مضمون دعا‌های قرآنی که در این پژوهش بررسی شد، می‌توان گفت همان‌گونه که خداوند در آیات خود طلب آمرزش را به بندگان آموخته است، در آیات متعددی نیز عفو و بخشش خود را به آنها یادآوری کرده و نتایج آن را پیش چشم انسان نهاده است. خداوند در آیات متعددی پیوسته یادآوری می‌کند که رحمت عامش در همه زمان‌ها شامل حال همه بندگان می‌شود و اوست که همواره رحمتش از غضبش سبقت دارد تا از این طریق بندگان نیز بکوشند شبیه او شوند و به استغفار و استرحام و طلب عفو تحریک و تشویق گردند. از این رو، ما انسان‌ها نیز باید از این صفت عفو بودن پروردگار الگو بگیریم و یکدیگر را ببخشیم؛ چون خطا و اشتباه در زندگی، طبیعت انسان است چه عمدی صورت گیرد و چه سهوی. اگر دنیایی آرام و آباد می‌خواهیم و اگر خواهان برقراری عدالت و همزیستی مسالمت‌آمیز آحاد بشر با یکدیگر هستیم، نیاز است همدیگر را ببخشیم و در حق دیگران نیز طلب بخشش کنیم، هم از ساحت خداوند و هم از دیگر انسان‌ها تا اگر روزی، خود نیز مرتکب خطایی شدیم مورد عفو دیگران واقع شویم و از آن بالاتر به واسطه آن بخشش و دعا در حق دیگران، عفو و رحمت بی‌پایان پروردگار نصیب همه ما گردد. با عمل به دستورالعمل‌های این‌چنینی است که می‌توان انتظار داشت جامعه آرمانی و متعالی شکل گیرد و انسان‌ها با کمال آرامش و خوشبختی در کنار یکدیگر به سعادت برسند.

## کتاب نامه

### کتاب و مقالات

- قرآن کریم.
- ابن بابویه قمی، حسین بن موسی (شیخ صدوق) (۱۳۷۶)، امالی، مترجم محمدباقر کمره‌ای، چاپ ششم، تهران: کتابچی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، چاپ اول، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، توحید در قرآن، چاپ دوم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، تفسیر تسنیم، چاپ اول، قم: اسراء.
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، چاپ اول، بی‌جا: میقات.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، مترجم نوری همدانی و همکاران، چاپ پنجم، تهران: فراهانی.
- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰)، تفسیر عاملی، چاپ اول، قم: کتاب‌فروشی صدوق.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۴)، بحار الانوار، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۹۲)، ترجمه تفسیر کاشف، چاپ دوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، نجف: نشر دار الکتب اسلامی.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- نهاوندی، شیخ‌محد (۱۳۹۱)، تفسیر نفحات الرحمن، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان (۱۳۹۵)، تفسیر راهنما روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، چاپ پنجم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.